

سلام کودکانه

نمایش عروسکی

من و برادرم تصمیم گرفتیم نمایش عروسکی اجرا کنیم. یک داستان خوب انتخاب و شخصیت‌هایش را تقسیم کردیم. بعضی‌ها را برادرم انتخاب کرد و بعضی‌ها را هم من. تمرین کردیم و برای اجرا آماده شدیم. بعد از اجرای نمایش، مامان و بابا برای ما دست زدند. بابا گفت: «عالی بود». مامان گفت: «می‌شه هفته‌ای یک بار برامون نمایش اجرا کنید؟ خیلی قشنگ بود!» من و برادرم هم قبول کردیم. یک داستان جدید انتخاب کردیم و حالا می‌خواهیم برای نمایش بعدی تمرین کنیم تا باز هم مامان و بابا را خوشحال کنیم.



ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۸۷۶
۰۲۰۰۵۹۹۹۹

معرفی کتاب

موش سر به هوا



همه موش‌ها وقتی خجالت می‌کشند، سرشان را پایین می‌اندازند، اما یک موشی هست که حتی به وقت خجالت هم سرش را پایین نمی‌اندازد؛ آخر او موش سر به هواست!
کتاب «موش سر به هوا» داستان مسافرت رفتن هفت موش است که فرهاد حسن‌زاده آن را نوشته و سال ۹۸ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است. تصویرسازی‌های زیبای این کتاب هم کار علی خدایی است. راستی این کتاب، جدای از داستان زیبای آن، چند سرگرمی هم برای شما دارد.

برشی از کتاب

آن‌ها صبح زود راه افتاده بودند و بعد از کلی پیاده‌روی، گرسنه‌شان شده بود. تصمیم گرفتند کنار رودخانه بنشینند و چیزی بخورند. شش تا موش ترگل و رگل به موش هفتم گفتند: «خب دیگه، غذاها را از کوله‌ات در بیار تا بخوریم.»
موش هفتم نگاهی به آن‌ها انداخت و نگاهی به آسمان کرد و گفت: «غذاها...؟ کوله؟ من... کوله...»

شعر

جوراب بازیگوش

توی حیاط خونه
لنگه جوراب رو بنده
یک دفعه باد می‌وزه
هو هو، هو هو می‌خنده

می‌خواد که پرواز کنه
لنگه جوراب آبی
گیره از اون می‌گیره
یه نیشگون حسابی

شاعر: عفت زینلی



تصویر سازی‌ها: احمد حریمی

شهر قصه

گر به‌ای که دوست نداشت خرابکار باشد!

در یک روستای کوچک گر به‌ای بود به نام گوش مخملی که در حیاط خانه بی‌بی گل زندگی می‌کرد. گوش مخملی با خودش گفت: «هر کدوم از حیوونای مزرعه کاری انجام میدن و برای بی‌بی گل مفیدن. با شیر گاوی بی‌بی کره، ماست، پنیر و... درست می‌کنه. خروس تاج طلا بی‌بی رواز خواب بیدار می‌کنه. مرغ نوک حنا تخم میذاره. اما من هیچ کاری بلد نیستم و فقط خرابکاری می‌کنم.»
بعد یادش آمد دیروز وقتی می‌خواست لباسی را که بی‌بی شسته بود و باد آن را روی پشت بام برده بود پایین بیاورد، پنجه‌اش به لباس گیر کرده بود و لباس زیبای بی‌بی پاره شده بود.
گوش مخملی در فکر بود که صدای شمس خانوم را شنید. شمس خانوم از سر دیوار بی‌بی را صدا زد و پرسید: «چی شده بی‌بی؟» بی‌بی با ناراحتی گفت: «کلیدمو تو خونه جا گذاشتم». شمس خانوم گفت: «خب بیا خونه ما تا اصغر آقا بیاد ببینیم چه کار کنیم.» بی‌بی گفت: «سماورم تو خونه روشنه، خطرناکه.»



شمسی خانم گفت: «راستی بی‌بی یه دریچه پشت خونه‌ات هست، کسی نمی‌تونه ازش رد بشه و بره کلیدت رو بپاره؟» بی‌بی گفت: «اون دریچه خیلی کوچیکه، بچه هم به زور ازش رد می‌شه.»
گوش مخملی با خودش گفت: «باید خودمو نشون بدم». از دیوار بالا رفت تا به دریچه رسید. بعد یادش آمد بی‌بی هیچ وقت دوست نداشت حیوانی داخل خانه اش برود. بی‌بی حیوانات را دوست داشت ولی می‌گفت هر حیوانی خانه خودش را دارد. گوش مخملی دید کلیدها از دیوار کنار دریچه آویزان است. پس خودش را به لبه دریچه نزدیک کرد و به زحمت بند کلیدها را با پنجه‌اش گرفت و با یک حرکت آن را از روی میخ دیوار برداشت و از دریچه بیرون کشید. بی‌بی کلیدها را که دید خیلی خوشحال شد و از گوش مخملی تشکر کرد. گوش مخملی خوشحال بود چون او هم توانسته بود برای بی‌بی فایده داشته باشد.

نویسنده: غزاله صفدری

هنرمند کوچولو

لیوان کاغذی

بچه‌ها تا حالا شده کاغذهایی را ببینید که طرح و نقش زیبایی دارند؟ آن قدر زیبا که دوست داشته باشید با آن‌ها وسیله تزئینی درست کنید؟ امروز یک کاردستی بسیار ساده داریم که همه شما می‌توانید آن را درست کنید. با درست کردن این لیوان‌ها، هم از دیدن هنر دست خودتان و هم از تماشای طرح و نقش روی کاغذها می‌توانید لذت ببرید.

چی لازم داریم؟

کاغذ یا مقوای طرح‌دار، چسب و قیچی

چطوری درستش کنیم؟

ابتدا دو تا مستطیل کوچک و بزرگ برش بزنید، بعد دو تا چشم، بینی و دهان هم به سلیقه خودتان درست کنید.
حالا مستطیل بزرگ (لیوان) را از ضلع کوتاه‌تر به همدیگر بچسبانید. دو سر مستطیل کوچک (دسته لیوان) را تا بزنید و با کمک چسب به مستطیل بزرگ وصل کنید.
حالا چشم‌ها و بینی و دهان را هم به لیوان بچسبانید.
فقط یادتان باشد که این لیوان تزئینی است، یک وقت هوس نکنید با این لیوان نوشیدنی بنوشید!

سمانه تلگردی

سرگرمی و رنگ آمیزی

نقطه نقطه تا نقاشی

دوستان خوبم اعداد را به ترتیب به هم وصل کنید تا تصویر کامل شود و بعد تصویر را رنگ آمیزی کنید.

